



انتقاد وزیر کار از طرح مهریه

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه طرح مجلس در مورد کاهش سقف اجرای ضمانت مهریه به ۱۴ سکه، موجب تشدید فقر زنان سرپرست خانوار می شود، گفته است که مسئله سرریز شدن زنان سرپرست خانوار نیازمند حمایت نیز در دهه های آینده می تواند به یک معضل جدی تبدیل شود و این در حالی است که باتوجه به محدودیت های بودجه ای، وزارت رفاه در پذیرش زنان سرپرست خانوار با مشکل روبه روست. به گزارش ایسنا، احمد میدری در این باره گفت: «بررسی های ما از سال ها قبل نشان می دهد که متأسفانه گروه های آسیب پذیر در ایران عمدتاً زنان و سالمندان هستند؛ به طوری که زنان و سالمندان بیشتر در معرض فقر قرار می گیرند و در حاشیه شهرهای بزرگ نیز ابعاد فقر شدیدتر است. به همین دلیل طرح مجلس در مورد کاهش سقف اجرای ضمانت مهریه به ۱۴ سکه نیز باید از این زاویه مورد نقد قرار گیرد؛ چراکه این موضوع موجب تشدید فقر زنان سرپرست خانوار خواهد شد.»



نقش نان های تیره در پیشگیری از دیابت

رئیس اداره نظارت و ارزیابی غذاهای ویژه سازمان غذا و دارو اعلام کرد: «نان های کامل و تخمیر شده به دلیل دارا بودن فیبر، ویتامین ها و مواد معدنی، نقش مؤثری در ارتقای سلامت جامعه و پیشگیری از بیماری های غیر واگیر دارند.» زهره پوراحمدی با تاکید بر نقش نان سالم در ارتقای سلامت جامعه گفت: «نان های کامل و تخمیر شده به دلیل دارا بودن فیبر، ویتامین ها و مواد معدنی، نقش مؤثری در پیشگیری از بیماری هایی مانند دیابت، یبوست، چربی خون و چاقی شکم دارند.» او با بیان اینکه نان، غذای اصلی سفره ایرانیان است، ادامه داد: «متأسفانه بسیاری از نان های رایج در کشور از آردیابی تهیه می شوند که بخش عمده سبوس آن ها در فرآیند آسیابانی جدا شده و همین موضوع، موجب کاهش ارزش تغذیه ای نان می شود.»



عذرخواهی بابت کمبود دارو

معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به محدودیت های شدید در انتقال ارز دارو و تجهیزات پزشکی در ماه های اخیر، همچنین عذرخواهی از مردم بابت حتی یک قلم کمبود دارو، گفته است که اصلاح قیمت دارو و تجهیزات پزشکی در شرایط نوری، یک ضرورت است تا تولیدکنندگان بتوانند به طور پایدار نیاز دارویی مردم را تأمین کنند. مهدی پیرصالحی ادامه داد: «در اقتصادی که با تورم و افزایش مستمر نرخ ارز مواجه است، اصلاح نکردن قیمت دارو و تجهیزات پزشکی، عملاً ادامه فعالیت تولیدکنندگان را با مشکل جدی روبه رو می کند. اگر اصلاح قیمت در مقاطع گذشته انجام نمی شد، بخش قابل توجهی از صنایع دارویی کشور امروز امکان ادامه فعالیت نداشتند.» او ادامه داد: «براساس قانون، سازمان غذا و دارو مکلف به تأمین ذخایر استراتژیک شش ماهه دارو و تجهیزات پزشکی شده است، در حالی که ماهیت دارو و تجهیزات با کالاهای اساسی متفاوت است و امکان ذخیره سازی آن ها به صورت سنتی وجود ندارد. در صورت پرداخت به موقع مطالبات، تأمین ارز و اجرای درست قراردادها، زنجیره تأمین شامل تولیدکنندگان، شرکت های بخش و داروخانه ها، خود به صورت طبیعی ذخایر مناسبی ایجاد می کند.»

جهانی نابرابرتر از همیشه

گزارش نابرابری جهانی ۲۰۲۶ نشان می دهد

تمرکز ثروت، شکاف جنسیتی و نابرابری آموزشی در جهان و ایران همچنان عمیق است



گتسی: Gettyimages

الهه محمدی

خبرنگار گروه جامعه

چندروز پیش تازه ترین نسخه از مجموعه گزارش های معتبر World Inequality Report منتشر شد با عنوان: «گزارش نابرابری جهانی ۲۰۲۶». گزارشی که با حمایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد، آزمایشگاه نابرابری جهانی (World Inequality Lab) و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۸ به طور منظم منتشر می شود و هدف آن، ارائه داده ها و تحلیل های جامع درباره وضعیت نابرابری در سطح جهان است. این گزارش با همکاری بیش از ۲۰۰ پژوهشگر از تمام قاره ها و با استفاده از داده های پایگاه جهانی نابرابری تهیه شده و تصویری کامل از توزیع درآمد و ثروت، شکاف های جنسیتی، فرصت ها، تقسیمات سیاسی و نقش نظام مالی بین المللی در ایجاد و تشدید نابرابری ارائه می دهد. یافته های این پژوهش گسترده نشان می دهند که ثروت و درآمد در جهان به شدت متمرکز شده اند: ۱۰ درصد بالای جمعیت جهان نزدیک به ۷۵ درصد ثروت را در اختیار دارند، در حالی که نیمی از طبقات پایین جامعه کمتر از دو درصد ثروت و در بسیاری از کشورها، نیمی از طبقات پایین جامعه به ندرت بیش از پنج درصد ثروت ملی را در اختیار دارند. ایران هم از این قاعده مستثنی نیست: در این گزارش نوشته شده، در ایران ۱۰ درصد پردرآمد حدود ۴۶ درصد درآمد ملی را در اختیار دارند و نیمی از طبقات پایین جامعه تنها ۱۸ درصد درآمد را دارا هستند؛ سهم نیمی از طبقات پایین جامعه هم از ثروت، کمتر از چهار درصد است. نویسندگان این گزارش که یکی از آن ها اقتصاددان برجسته فرانسوی «توماس پیکتی» است، نوشته اند که نتیجه این اوضاع، جهانی است که در آن اقلیتی بسیار کوچک، به قدرت مالی بی سابقه ای دست یافته اند، در حالی که میلیاردها نفر حتی از حداقل ثبات اقتصادی محروم مانده اند.

این گزارش جدید چند بخش مهم درباره نابرابری جنسیتی، نابرابری آموزش و سلامت دارد؛ زنان، با وجود تحصیلات بالاتر و مشارکت بیشتر در بازار کار، تنها حدود یک سوم درآمد نیروی کار را به دست می آورند چون بخش بزرگی از فعالیت های آن ها، به ویژه کار خانگی و مراقبتی، بدون مزد و اغلب نادیده گرفته می شود. همچنین شکاف های فرصت در سطح جهانی بسیار گسترده اند؛ به طور مثال، میانگین هزینه آموزشی هر کودک در آفریقا حدود ۲۲۰ یورو است، در حالی که این رقم در اروپا بیش از هفت هزار و ۴۰۰ یورو و در آمریکای شمالی و اقیانوسیه حدود ۹ هزار یورو است؛ یعنی شکافی بیش از نسیبت یک به ۴۰.

از دیگر موضوعات مهم گزارش، رابطه بین ثروت و تغییرات اقلیمی است: ثروتمندترین افراد نه تنها مصرف بیشتری دارند، بلکه مالک دارایی هایی اند که بیشترین انتشار گازهای گلخانه ای را ایجاد می کنند. در عین حال فقیرترین جمعیت ها، که کمترین مسئولیت را در ایجاد بحران دارند، بیشترین زیان را از پیامدهای اقلیمی متحمل می شوند. گزارش نابرابری جهانی ۲۰۲۶ تصویری روشن از بحران نابرابری جهانی ارائه می دهد و هشدار می دهد که بدون اقدامات سیاسی و اجتماعی قاطع، شکاف ها همچنان تشدید خواهند شد، اما هم زمان نشان می دهد که راهکارهای مؤثر برای کاهش نابرابری در دسترس اند و می توان با بازتوزیع منابع و اصلاح سیاست ها، به عدالت اجتماعی و اقتصادی نزدیک تر شد.

▼ ثروتمندان پولدارتر شدند، فقیران فقیرتر

از سال ۲۰۱۸، گزارش های نابرابری جهانی به نقطه عطفی در بحث های عمومی جهانی درباره نابرابری تبدیل شده اند. این گزارش ها نحوه در کشورهای ثروتمندان، سیاست گذاران و پژوهشگران از گستره، علل و پیامدهای نابرابری در جهان امروز را بازتعریف کرده اند. حالا این نسخه ۲۰۲۶ در زمان حساسی منتشر شده است: در سراسر جهان، سطح زندگی برای بسیاری از افراد در حال رکود است، در حالی که ثروت و قدرت بیش از پیش در رأس توزیع متمرکز شده است و پژوهش های مستقل در مکان هایی که پیش تر آزادی دانشگاهی برقرار بود، در معرض تهدید قرار دارد. طبق این گزارش، این تحولات با یکدیگر مرتبط اند؛ افزایش نابرابری اعتماد اجتماعی را تضعیف می کند، دموکراسی ها را ضعیف می کند و نارضایتی را افزایش می دهد.

۱۰ درصد بالای جمعیت جهان، نزدیک به سه چهارم کل ثروت را در اختیار دارند، در حالی که نیمی از جمعیت پایین جامعه، کمتر از دو درصد ثروت را دارا هستند. کمتر از ۶۰ هزار فرد مولتی میلیونر، اکنون بیش از سه برابر ثروت نصف بشریت را کنترل می کنند. در اکثر کشورها، نیمی از جمعیت پایین به ندرت بیش از ۵ درصد ثروت ملی را در اختیار دارند. گزارش همچنین نشان می دهد که ثروتمندترین افراد سهم بسیار کمی در تأمین مالی عمومی دارند. نرخ های مؤثر مالیات برای بیشتر جمعیت افزایش می یابد، اما برای میلیاردها و سنتی میلیونها به شدت کاهش پیدا می کند. این وضعیت نه تنها عدالت مالیاتی را تضعیف بلکه جوامع را از منابع لازم برای آموزش، سلامت و اقدام اقلیمی محروم می کند. این گزارش استدلال می کند، نابرابری جهانی به حدی افراطی رسیده که اقدام فوری را ضروری کرده است. در فصل های مختلف، گزارش بررسی می کند که نابرابری فراتر از ثروت چگونه بروز می کند، از جمله در زمینه جنسیت، فرصت ها و اقلیم.

«شیوا علینقیان»، انسان شناس و پژوهشگر حوزه جنسیت به «هم مپهن» می گوید، در گزارش جهانی نابرابری ۲۰۲۶، یک گزاره کلیدی برجسته می شود که از دیدگاه تهیه کنندگان گزارش نابرابری به عنوان یک «نتیجه انتخاب های سیاسی» و نه یک روند طبیعی ظاهر می شود: «این ادعا اگر چه ممکن است در نگاه نخست اقتصادی

به نظر بیاید، از منظر انسان شناسی حامل یک معنا و پیام بسیار دقیق تر است: نابرابری، نه یک نیروی بی اثر و بیرونی، بلکه محصول آگاهانه کنش های انسانی، ساختارهای قدرت و گزینش های نهادی است.» به گفته او این گزارش تاکید می کند که نابرابری، سرنوشت محتوم یک قانون طبیعی اقتصادی نیست؛ بلکه نتیجه گزینش های سیاسی، نظام های نهادی، ساختارهای قدرت و انتخاب های سیاست گذاری است. اومی گوید وقتی کمتر از ۶۰ هزار نفر در جهان، بیش از سه برابر نیمی از جمعیت بشر، ثروت در اختیار دارند، پیامد اصلی آن نه فقط فقر مادی بلکه بحران معنا در مفاهیم هنجاری سیاست مدرن است: «در چنین وضعیتی، ایده هایی مانند عدالت، شایستگی و تحرک اجتماعی به تدریج تهی می شوند. اگر ثروت و قدرت اقتصادی به شدت موروثی، شبکه ای و غیر قابل دسترس شود، دیگر نمی توان به طور بازپذیر ادعا کرد که موفقیت نتیجه تلاش فردی یا شایستگی است. از منظر سیاسی، این وضعیت مشروعیت نظم اجتماعی را فرسایش می دهد و احساس «بازی از پیش باخته» را در میان اکثریت تقویت می کند.»

«سیمین کاظمی»، پزشک و جامعه شناس هم درباره این گزارش به «هم مپهن» می گوید ساختار حکمرانی، دولت ها و سیاست هایی که اتخاذ می کنند، در ایجاد نابرابری و میزان نابرابری ها تعیین کننده است: «سیاست هایی مثل دفاع از مالکیت خصوصی و تجمیع ثروت در دست اقلیت، معافیت مالیاتی ثروتمندان، نحوه تعیین تخصیص یارانه ها، سیستم تخصیص امتیاز و رانت، تصویب قوانین کار به نفع کارفرمایان و نبود حمایت از کارگران، بی ارزش کردن کار در برابر سرمایه، تقدیس کار آفرین ها، خصوصی سازی آموزش، بهداشت و نیازهای اجتماعی دیگر همگی به نابرابری و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی در جوامع منجر می شود.» به گفته او، تشدید نابرابری نتیجه چرخش نتولیبرال و افول دولت های رفاه در جهان سرمایه داری است: «برنامه های نتولیبرالیستی در ذات خود، نابرابری اقتصادی را حمل می کنند و نتایج آن در گذر زمان مشخص می شود.»

«خدیجه کشاورز»، استادیار جامعه شناسی در گروه مطالعات زنان، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی هم به «هم مپهن» می گوید، این گزارش جدید به درستی تاکید می کند که نابرابری، نتیجه انتخاب های سیاسی است؛ نه روندی طبیعی: «گسترش نابرابری در دهه های اخیر، نتیجه سیاست ها و تصمیم های دولت ها در سطح ملی و بین المللی است. توماس پیکتی که یکی از نویسندگان این گزارش است، در پژوهش های تطبیقی اش نشان می دهد که کشورهایی مثل کشورهای اسکاندیناوی که در قرن نوزدهم با نابرابری های گسترده روبه رو بودند، در قرن بیستم در بسیاری از زمینه ها توانستند برابر را گسترش دهند.» به گفته او اما در دهه های اخیر در جوامعی که پیش تر با سیاست های رفاهی روبه رو بودیم، این سیاست ها کم رنگ شده اند و ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شده اند: «همان طور که ربحدار ویلکینسون و کیت پیکت در کتاب شان با عنوان «چرا نابرابری برای همه بهتر است» نشان می دهند، گسترش نابرابری بر همه چیز جامعه تأثیر می گذارد. جرم و جنایت در جوامع نابرابرتر بیشتر می شود، بیماری های جسمی و روانی در جوامع نابرابرتر بیشتر می شود. امید به زندگی کاهش می یابد حتی میزان چاقی در جوامع نابرابرتر بیشتر است. بنابراین گسترش نابرابری هشداردهنده است و می تواند پیامدهای بسیاری مخربی برای جامعه ایجاد کند.»

«شیرین احمدنیا»، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران هم در تحلیل این گزارش جدید معتقد است، جامعه شناسی به ما نشان می دهد که بازار هرگز در خلأ عمل نمی کند؛ بلکه درون شبکه ای

از نهادها، قوانین و روابط قدرت شکل می گیرد: «جامعه شناسی تاریخی نشان می دهد، در دوره هایی که نابرابری کاهش یافته (مثلاً پس از جنگ جهانی دوم)، این کاهش نه به دلیل «اخلاقی تر شدن سرمایه داری»، بلکه حاصل تصمیمات سیاسی آگاهانه بوده، مانند مالیات های سنگین بر ثروت، گسترش دولت رفاه و مهار قدرت سرمایه. به گفته احمدنیا، نابرابری فقط مادی نیست؛ احساس نابرابری هم حائز اهمیت است: «سبک زندگی، زبان، نمایش بدن، محل سکونت و حتی سلیقه فرهنگی به مرزهای طبقاتی تبدیل می شوند. در چنین شرایطی طبقات پایین نه فقط فقیر، بلکه «نامرئی» یا «کم ارزش» تلقی می شوند.» اومی گوید وقتی فاصله زیست جهان زیاد می شود، «اما»ی جمعی فرو می ریزد و افراد دیگر خود را در یک سرنوشت مشترک نمی بینند: «این وضعیت، زمینه ساز بی اعتمادی، خشم اجتماعی، همچنین زمینه ساز جذایبت روایت های رادیکال، پوپولیستی می شود.»

▼ نابرابری ثروت در ایران

در بخشی از گزارش «نابرابری جهانی ۲۰۲۶» که انواع نابرابری را در کشورهای مختلف جهان بررسی کرده، درباره ایران نوشته شده که در این کشور، ۱۰ درصد گروه های پردرآمد حدود ۴۶ درصد درآمد را کسب می کنند و سهم ۵۰ درصد طبقات پایین، حدود ۱۸ درصد از کل درآمد است؛ نابرابری ثروت بیشتر است و ثروتمندترین ۱۰ درصد بیش از ۶۳ درصد کل ثروت را در اختیار دارند و ثروتمندترین یک درصد حدود ۲۹ درصد ثروت را، سهم ۵۰ درصد پایین از ثروت، کمتر از چهار درصد است. همچنین نوشته شده که در ایران در فاصله سال های ۲۴-۲۰۱۴ شکاف درآمدی بین ۱۰ درصد بالا و ۵۰ درصد پایین، از حدود ۳۰ به ۲۵/۵ کاهش یافته است.

«سیمین کاظمی»، جامعه شناس درباره این قسمت از گزارش می گوید، وضعیت اقتصادی در ایران به گونه ای است که در ایران طبقه سرمایه دار، به تمام معنی کلمه، مفتخور شکل گرفته که لازم نیست برای افزایش ثروت، کار خاصی انجام دهند یا زحمتی بکشند یا در حوزه تولید فعال باشند؛ «اساساً سرمایه داری از نوع مولد نیست؛ بلکه ثروت و سود از طریق دسترسی به امتیازات ویژه و انحصار و بهره برداری از تورم کسب می شود.» او می گوید نابرابری شدید در ثروت نشان می دهد که انقلاب اسلامی در دسترسی به یکی از اهدافش که عدالت اجتماعی بوده، ناکام بوده و همان ساختار اجتماعی و اقتصادی قبل از انقلاب دوباره خلق شده است.

«شیوا علینقیان»، انسان شناس هم می گوید اعداد مربوط به ایران در این گزارش (تمرکز حدود ۴۶ درصد درآمد و بیش از ۶۳ درصد ثروت در دست ۱۰ درصد بالا) رانمی توان صرفاً به عنوان شاخص های اقتصادی خواند: «این ارقام باتاب تاریخ خاص دولت، اقتصاد رانتی و الگوهای توزیع قدرت سیاسی در ایران معاصرند. در ایران، ثروت کمتر از مسیر تولید صنعتی یا کار مزدی انباشته شده و بیشتر از مسیر دسترسی نامتوازن به منابع، زمین، مجوز، رانت و شبکه های قدرت سیاسی و اداری شکل گرفته است.» به گفته او، شدت بیشتر نابرابری ثروت نسبت به درآمد در ایران، رابطه مستقیمی با مسکن، زمین، رانت، ارث و دسترسی نابرابر به منابع میاب دارد: «درآمد، هر چند نابرابر، هنوز تاحدی به بازار کار و مهارت پیوند خورده است؛ اما ثروت عمدتاً از طریق مالکیت دارایی هایی مانند مسکن، زمین و سرمایه های غیرمولد انباشته می شود. این دارایی ها به شدت موروثی اند و خارج از دسترس کسانی قرار دارند که در «زمان و مکان غلط» متولد شده اند.» بنظر «شیرین احمدنیا»، جامعه شناس هم این شکاف در ایران، تصادفی نیست و ریشه در ساختار خاص اقتصاد جامعه ایران دارد: «اما می دانیم به عنوان مثال؛ مسکن در ایران نه فقط کالای مصرفی، بلکه ابزار انباشت ثروت است. تورم مزمن به ضعف بازارهای مولد باعث شده مالکیت مسکن از کار جدا شود، به رانت زمانی و مکانی وابسته شود، گاه می بینیم کسی که زودتر یا در جای درست «مالک» شده، بدون افزایش درآمد، ثروتمند شده است. پدیده رانت نقش مهمی در این میانه بازی می کند. البته رانت در ایران لزوماً به معنای فساد فردی نیست، بلکه منظور دسترسی نابرابر نهادی است: اطلاعات، مجوز، وام، زمین و ارز، این ها ثروت می سازند، نه درآمد.» اومی گوید از منظر جامعه شناسی، این وضعیت به شکل گیری نوعی سرمایه داری دارایی محور بدون شایسته سالاری می انجامد؛ در نتیجه با جامعه ای مواجهیم که در آن «داشتن»، مهم تر از «شدن» است.

▼ تشدید نابرابری عمیق جنسیتی

در بخش مربوط به نابرابری جنسیتی گزارش «نابرابری جهانی ۲۰۲۶» گفته شده، شکاف دستمزد جنسیتی «در همه مناطق جهان پابرجاست». این گزارش می گوید با کنار گذاشتن کار بدون دستمزد، زنان به طور متوسط تنها ۶۱ درصد از درآمد ساعتی مردان را دریافت می کنند و با احتساب کار بدون دستمزد، این رقم فقط ۳۲ درصد کاهش می یابد. این گزارش می گوید در سطح جهانی، زنان سهم قابل توجهی، هم در کار با مزد، هم در کار بدون مزد دارند، اما پاداش های اقتصادی آن ها همچنان بسیار کمتر است. آن ها